

به نام خدا

به رنگ نیلِ پدram

(مجموعه شعر)

شاعر:

نرگس سیفی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : سیفی، نرگس، ۱۳۶۷-
عنوان و نام پدیدآور : به رنگ نیلی پدرام: مجموعه شعر/ نرگس سیفی.
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۱۷۷ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۴۷۸-۱
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
عنوان دیگر : مجموعه شعر.
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
Persian poetry -- 20th century
رده بندی کنگره : PIR۸۳۴۸
رده بندی دیویی : ۸۱۶۲/۸
شماره کتابشناسی ملی : ۹۸۳۸۱۸۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب: به رنگ نیلی پدرام
شاعر: نرگس سیفی
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۷۷۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۴۷۸-۱
تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



پدرام عزیزم

ممنونم که برای ورود به مهمانی این دنیا

من رو انتخاب کردی

امیدوارم که این دم زندگی را هر آنچه از خوبی هست تجربه کنی

عشق ها و دوست داشتن ها _____

دریاها و ساحل ها

عطرها و به آغوش کشیدن محبت ها

و رنگین کمان ها و

باران های دیوانه از عاشقانه های آدمی

همیشگی دوستت دارم پسرم



آری این تو هستی

که

در من مشغول به پروازی

مثال پرنده ای بی قید و بند

مثال یک ماه که هیچگاه از برای یک ببر

بر زمین نمی اندازی نگاهی

۲

تو

به مثال یک معماری عظیم می مانی

تو

در من

معنای کلمه ی بقایی

بی اندازه عاشق شهامت زندگانی

و از شعله های آتش شبی چون یلدا

به مثال دانه های سرخ انار می مانی__

۳

چشمهایش کافی بود

و دیگر داشته هایش

را مراد نبود

و

بر عمق سیاهی های سرمه اش پرتگاهی بس عظیم ناپیدا بود

۴

اگر دوباره جوان می شدم
روی سبزه زارها سما می رفتم
آب و آب و آب
تمام ساحل های زمین را شن بازی می کردم
و تمام دریاچه ها را شنا...
اگر دوباره جوان می شدم
بازی را جز حقیقت و واقعیت زندگی نمی دانستم
هر صبح از شادی زندگانی برآسمان می پریدم و هر شام خالی بودن زیر پاهایم
را تماشا می نشستم...
وای که اگر
دوباره
من
جوان
می شدم

۵

و دوستت دارم هایی که
وقت قهوه ی عصرگاهی ات می نویسی
همان چند کلمه را دلتنگم..

۶

ژن گذشتگانش بود!
یا خلیقیات بازماندگانش!
هیچ معلومش نبود
تنها اینکه بجای آموختن از کتاب ها و فیلم ها
خود یک
رمان تراژدی کمدی
و شاید
یک فیلم بی حد درگیر کننده بود!

۷

گر می توانستم به مثال یک سنجاقک زیست کنم

این دم زندگانی را

جز به شادی و طرب مشغول نبودم..

۸

و آدمی

و آمالش

و حسرت بقا

که او را وادار به هر نکرده کاری خواهد کرد!

۹

پری سا ___ دختر نجیب گلها ___

و شبنم آفریقایی که تنها دلگرمی آن شب های سرد و

مملو از خستگی ام بود ___

۱۰

واو که از میان تمام راه ها

رفتن و

همیشه

دوباره رفتن

تنها

انتخابش بود!

۱۱

در میان خستگی قرن ها

از پس عاشق ترین سوگندها

گم کردم ترا

۱۲

امشب عکسی از ماه کامل گرفتی _ ماه آنجا کامل است..

اینجا هم!

و

این تنها موضوع مشترک بین من و تو که آن سوی این کره هستی
نیست.. عاشقانه هایمان و خاطرات زیبایمان مدام در مسیر تکرار است

۱۳

بعد از آن تحویل با تو

عاشقانه هایم

به سالی که هرگز نیامده ست

موکول شد

۱۴

و عشق گاهی چنان بر عمق تن ت می نشیند

که

تمام ترا با خود

به

نیستی_

می برد

به جایی که فقط اوست

و ماه

و شب

و ستاره ای که همیشه در شب چشمهایش پنهان بود..

آری : عشق هیچ گاه هیچ راهی

برای

فرار از دیوانگی طرح نخواهد کرد_____

۱۵

صدای باران

کتاب شاعرانه های شاملو

و

یادی

از بی حد ناآرامی های او_____

این قصه ی تمام روزگاران سفرش بود

۱۶

شاید که دریا برای بوسه بر خاک تو

موج هایش را فراری می داد!

۱۷

شب های حادثه و روزهای اتفاق

با تو یا با او

بی یار

غم های پشت ماه

ناگاه یک قمار

در پیش بینی نشده ترین تبار__

۱۸

گر تمام فصل های زندگی پاییز بود

تو بارانی ترین عاشقانه اش بودی

عطر زیبایت

مست می کرد

بند بند تنم را.

و گر طلوعی ناپیدا بودی

زنده می شدم از سر دامان زمین کشیدنت

و اگر که آخرین شرم از قمار من روی میز باخت بودی

غصه ی تاج و تخت را فراموشم می بودی...

۱۹

با او ادامه داد

فقط به این دلیل که می خواست چیزی از گذشته ی نابود شده اش با خود به همراه داشته باشد

۲۰

تا به امروز گیلای های رسیده بر شاخسار درختان را دیده ای..

۲۱

و

عشق

که کارزاری سخت

و بس نفس گیر بود__

و شبهای بعد از تو

که

نمانده است

جز خاطراتی بس کمرنگ از آتش آن دود__



تو راحت باش

و

دور بمان

که من ___

نزدیک می نویسمت

۲۳

و روزی

تمام آنچه

از تو

بر من گذشت

را

درک خواهم کرد

آرام بر مرور خاطراتت می نشینم ___

و طراوت های از تو مانده

را

ترک ___

خواهم کرد ___

۲۴

امشب از پنجره ای باز دگرگون شده است دنیایم

بروم

یا که بمانم

هیچ از فردای خود یا تو

من

نمی دانم _____

۲۵

و دوست داشتنت

که

جنون‌آمیزترین رفتار جهانم بود

۲۶

رفتم

نیامدی

رفت

با او شدی

و

در نهایت

از پیرامون من

کم شدی

و در این پنج قدم

تو را برای همیشه و تا ابد از دست دادم__

۲۷

دیوونگی ابرها

و

بارون

ناز

و اشوه های هوای استامبول_____

من که

هیچ وقت

نمی تونم

بمونم

آرووووم_____

۲۸

عاشقِ همین ثانیهِ ها بود
همین لحظه‌هایِ بر هوا پریدن
همین اشک‌هایِ ذوق
اولین تارنمایِ ذهنی اش را
خلق کرده بود!
می دانی این چه معنی داشت
نه
فقط یک معمار
بر هوا پریدن
از
گشایشِ
این معما را می فهمید

۲۹

تمام بودنم را

مست می شوی

و هست می شود

گام های سرد وجودت تا صبح مرگ

۳۰

از توامان گل‌هاااا

نرگس وحشی را دوست داشت

و دیر زمانی بود

که

سر

بر

قامت

گستاخ تاریخ__

می گذاشت

۳۱

و حالا

اثبات دوست داشتنت

که

سخت ترین

قسمت

ماجرا

بود

۳۲

پاییز بود

و

بر کمانِ بی جانِ بید

آرام

به تماشایِ دگرگونیِ باغ ...

از شکستنِ شاخسارِ زیر پایش هیچ

غمش نبود

چرا که هر لحظه را

توامانِ ”قدرت پریدنش بود“

۳۳

تلاش یا آنکه مقاوت

نه !

او تسلیم قضایِ سرنوشت بود

و خبری بس واقعی از قصه هایِ بعد از آن داشت

۳۴

درخت اگر بودی

بید که نه ...

شاید که چنارِ ناهماهنگ

با مجنون هایِ باغ می بودی

۳۵

رفت

و به تاراجِ خوش

گذشته ی زندگیِ ام پیوست

۳۶

سرخ باشد گونه هایت و سبز بگذرد روزگارت

و بی درنگ مست بروی لحظه هایت را

چون

مست رفتن های

هر دم از ... مولوی ... حافظ

و

شاید که نیما ... سهراب

نه اما عشقِ زمینی و شهریارِ ناگفته از آن نشه ی ابدی

همان همیشه بیدار همان دهلوی... و بیدلِ بی یار